



سخن سردبیر

نفرت از علم و علاقه به راه‌حل‌های ساده: دو ویژگی سیاستمداران محافظه‌کار

فرد فیلیپس، آینده‌پژوه معروف آمریکایی در کتاب جدید خود به نام «از آینده چه خبر» (که ترجمه فارسی آن نیز اخیراً توسط مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور منتشر شد) مطرح می‌کند که سیاستمداران عمدتاً جمهوری‌خواه آمریکایی که برای همه مسائل پیچیده پیش روی کشورشان راه‌حل‌های یکسان و ساده‌ای مانند کاهش نقش دولت را پیشنهاد می‌دهند، به یک نوع بیماری ذهنی مبتلا هستند: بیماری گریز از پیچیدگی!

شاید به همین دلیل هم هست که رابطه این سیاستمداران محافظه‌کار با دانشمندان کشورشان خوب نیست، تا جایی که در سال ۲۰۰۹، فقط ۶ درصد دانشمندان آمریکا جمهوری‌خواه و ۵۵ درصد آنان دموکرات بودند (این تفاوت احتمالاً در دوره ترامپ، خیلی بیشتر هم شده‌است). نفرت از علم و دانش باعث می‌شود که این قبیل سیاستمداران پاسخ‌های ساده و عوام‌پسند -ولو به وضوح نادرست- را بر پاسخ‌های پیچیده و سیستم‌محور که اقتضای مشکلات امروزی هستند، ترجیح دهند.

این گونه افراد و رأی‌دهندگان متمایل به آن‌ها، هنوز نتوانسته‌اند ذهن خود را که با دنیای ساده دیروزین وفق یافته، با دنیای جدید و پیچیده کنونی، تطابق بخشند. البته که دانشگاهیان و دانشمندان هم کوتاهی کرده‌اند که به تبیین این مفاهیم پیچیده به زبان ساده برای مردم نپرداخته‌اند.

نکته جالب آن است که به قول فیلیپس، حتی فناوری‌های مورد علاقه جمهوری‌خواهان (نظیر سلاح‌های پیشرفته) نیز توسط دانشمندان توسعه یافته‌اند و نه توسط مکانیک‌های سیار و ترک‌تحصیل‌کرده‌هایی که عمده طرفداران پروپاقرص حزب جمهوری‌خواه را تشکیل می‌دهند.

آنچه مسلم است، ذهن انسان تمایل دارد به علیت مستقیم روی بیاورد. مثلاً مانند ترامپ، توییت کند که چون یک زمستان خیلی سرد اتفاق افتاده، پس گرم شدن زمین حقیقت ندارد. اما دانشمندان به ما نشان می‌دهند که باید به علیت نظام‌مند و عناصر متعدد درون آن توجه کرد که ریسک و عدم قطعیت زیادی هم دارند. مثلاً این که گرمایش زمین باعث شده که آب بیشتری از اقیانوس‌ها بخار شود و در صورت وزش باد مناسب، به روی قطب‌ها بیارد و اتفاقاً زمستان سردتری ایجاد کند.

این که فرض کنیم با اعمال کنترل شدید زنان باردار و مجازات آن‌ها در صورت سقط جنین، می‌توان جمعیت را افزایش داد، بدین معناست که به شکلی ساده‌انگارانه، همه پارامترهای اجتماعی و اقتصادی حاکم بر فرزندآوری و خانواده را نادیده گرفته‌ایم. بر فرض که صد هزار زن را هم به این دلیل مجازات کردیم، آیا مردم و جامعه سربه‌راه می‌شوند و فرزندان بیشتری

می‌آورند، یا از ترس، کلاً ازدواج را ترک می‌کنند؟ کاهش دسترسی مردم به وسایل جلوگیری از بارداری، باعث می‌شود کدام طبقات جامعه دارای فرزند شوند؟ فقیرترین و پایین‌ترین طبقات که بعداً هم توان تربیت و آموزش فرزندان خود را ندارند. این که همه عوامل دست‌اندرکار تورم را ندیده بگیریم و به برخورد با کسبه ظاهراً گران‌فروش روی بیاوریم، تا به حال موجب کنترل تورم شده است؟ آیا اعدام موادفروشان خرده‌پا باعث شده که معتادان از کشیدن تریاک دست بردارند و به زندگی سالمی روی آورند و یا باعث اعتیاد آنان به مواد شیمیایی بسیار خطرناک‌تر شده است؟ آیا یک‌دست‌شدن قوای سه‌گانه و حذف مخالفین، باعث افزایش کارایی حکومت‌ها می‌شود؟ واقعاً چنین راه‌حلی به ذهن سیاست‌گذاران کشورهای پیشرفته نمی‌رسد؟ آیا یک پدر سختگیر که فرزندان خود را در صورت سرپیچی از فرامینش تنبیه می‌کند فرزندان موفق‌تر و با اخلاق‌تری پرورش می‌دهد؟ یا خانواده‌ای که کودکان خود را به تفکر و تصمیم‌گیری و انتخاب سوق می‌دهند؟

تأمین آینده پایدار جامعه، به توانایی اعضای آن جامعه در درک پیچیدگی‌های نظام‌مند مسائل، و اقدام برای ایجاد انعطاف‌پذیری در برابر این پیچیدگی‌ها وابسته است. این موضوع ربطی به عقاید سیاسی ندارد. افرادی که نتوانند پیچیدگی‌های دنیای امروز را هضم کنند، با دنیای مدرن ناسازگار هستند. درک سریع و مستقیم از علیت‌ها، به معنای ناتوانی برای حیات در دنیای آینده است. هر ملتی باید این را بفهمد. ایجاد این فهم هم وظیفه دانشمندانی است که از خزانه ملی، حقوق می‌گیرند.